اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت هفتم)

مغناطیس شیاطین

۱) تنزل شیاطین به دنیای انسانها

در زمان های قدیم شیاطین و اجنه به صورت انسان تنزل پیدا میکردند، در آن موقع خدا این قدرت را به آنها داده بود هرچند که آنها وقتی به دنیای انسان ها می آمدند صورت و صدای مناسبی پیدا نمی کردند. در داستان ها نقاشی شده است که دیوهایی که به دنیای انسان ها می آمدند و جسمیت خاکی پیدا می کردند را در جایی مثل طویله نگهداری می کردند، این بخاطر این بود که آنها از بعد بالاتری به بعد ما انسانها تنزل پیدا میکردند. شیاطین وقتی به دنیای انسانها تنزل پیدا میکردند، دیو نامیده میشدند و نسبت به انسان، شکل زشتی پیدا میکردند. اما وقتی ملائکه تنزل پیدا می‌کردند به دنیای ما انسان ها، صورت و صدای مناسب و زیبایی پیدا می‌کردند به

نحو احسن؛ زیرا که ملائکه نیروهای خدا بودند اما شیاطین و اجنه نیروهای شیطانی بودند. شاید بعضی جاها، در بعضی فرهنگ ها دیده باشید که مثلا مجسمه ای درست شده که کله آن شیر و بدنش بنی آدم است؛ یا کله اش بنی آدم و بدنش ماهی مانند است. اینها از همان دیو هایی گرفته شده که به دنیای انسان ها می آمدند ولی خلقت شان زیبا نبود، این موجودات به دنیای انسان ها می آمدند برای گمراهی انسان ها و آنها به این طریق دنیای انسان ها را تجربه می‌کردند و نمایشات خود را برگزار میکردند. اما بعد از مدتی این امکان از آنها گرفته شد و یا بسیار نادر شد و آن‌ها دیگر تنزل جسمی پیدا نمی کنند اما تنزل های از نوع دیگر پیدا خواهند کرد و انسان ها را تحت تاثیر قرار می دهند.

شیوا خدای هندوها یکی از این دیوها بود که به دنیای انسانها تنزل پیدا کرد و پایه گذار مذهب جادویی شد. خود هندوها هم اعتراف میکنند که شیوا خدای نابودگر و هلاک کننده است. هفت مرحله یوگا و جادو و طریقت و مفاهیم عشق و ... را دیو شیوا بین مردم رواج داد. به همین خاطر مفهوم دیوها و خدا در مذهب هندو و سایر مذاهب جادویی، با هم قاطی شده است. از همین نقطه ، کلماتی مثل خدایان و خدایگان و خداوند و الهه و سایر مفاهیم بت پرستی بین مردم رواج یافت. در حالیکه خدا یکی است و بنابراین کلماتی مثل خدایان، خدایگان، خداوند و الهه نشان از چند خدایی دارد و قطعا دیوها در گسترش چنین فرهنگ و کلماتی نقش داشته اند.

اما بعد از میلاد مسیح؛ تنزل شیاطین به دنیای انسانها بسیار کم شد و در واقع نوع و شیوه تنزل تغییر یافت. شیوه جدید تنزل در سوره شعراء توضیح داده شده است:

هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَى مَنْ تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ ﴿۲۲۱﴾

آیا شما را خبر دهم که شیاطین بر چه کسی فرود می آیند (۲۲۱)

تَنَزَّلُ عَلَى كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿۲۲۲﴾

بر هر دروغزن گناهکاری فرود می آیند (۲۲۲)

يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثَرُهُمْ كَاذِبُونَ ﴿۲۲۳﴾

که [دزدانه] گوش فرا می دارند و بیشترشان دروغگویند (۲۲۳)

وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿۲۲۴﴾

و شاعران را گمراهان پیروی می کنند (۲۲۴)

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ﴿۲۲۵﴾

آیا ندیده ای که آنان در هر وادیی سرگردانند (۲۲۵)

وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ﴿۲۲۶﴾

و آنانند که چیزهایی می گویند که انجام نمی دهند (۲۲۶)

یعنی در زمان حاضر ، تنزل شیاطین به دنیای انسانها از طریق شعر، دکلمه های احساسی، فیلمهای منحرف، آهنگهای نومیدی و انحرافی و ... صورت می گیرد. اما در عوض خدای مهربان، شب قدر را نظر گرفته است که در آن شب ، به امر خدا، ملائکه به دنیای انسانها تنزل پیدا میکنند و مقدراتی برای مردم کره زمین صورت می گیرد. فرود آمدن شیاطین و ملائکه؛ یعنی تنزل آنان به ابعاد پایین تر، هر چند که ما آنها را نمی بینیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام خدا رحمتگر مهربان

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿۱﴾
ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم (۱)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿۲﴾
و از شب قدر چه آگاهت کرد (۲)

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿۳﴾
شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است (۳)

تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿۴﴾
در آن [شب] فرشتگان با روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری [که مقرر شده است] فرود آیند (۴)

سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿۵﴾
[آن شب] تا دم صبح صلح و سلام است (۵)

شب قدر ، از هزار ماه هم بهتر است. هزار ماه تقریبا حدود ۸۲ سال است؛ یعنی اموری که خدا در شب قدر نازل میکند، به اندازه ۸۲ سال تلاش انسانها ارزش دارد.

۲) مغناطیس روش جدید تنزل شیاطین

وقتی که صبح از خواب بیدار می شوید ابتدا خواب آلود هستید اما بعد از اینکه مقداری آب به سر و صورت خود زدید، کم کم خواب از سر شما می پرد و از حالت خواب و خواب آلودگی خارج میشوید. مغناطیس اجنه هم دقیقاً به همین طریق کار می‌کند. زمانیکه در فکر و خیالات و توهمات به سر می‌برید، با زدن آب به سر و صورت و مسح پا و مسح سر، خواب و خواب آلودگی شما از بین می‌رود یعنی مغناطیسهایی که شما را درگیر کرده اند از بین می روند و خنثی میشوند. این دامنه مغناطیس روش جدید تنزل شیاطین بر مردم است. این مغناطیس در فضای آلفا هنگام خیالات، توهمات، احساسات افراطی، خلسگی، نشئگی، مستی و ... پیش می آید. عوامل پدید آورنده این حالات زیادند؛ از جمله رمانهای خیالاتی، فیلمها و داستانهای توهمی، مواد مخدر، رقص سماع و نوحه و اشعار و شعارهای نژادپرستی و ... .

۳) ارتباط نماز و وضو و میدان مغناطیسی ما

خدا در آیه مربوط به وضو می فرماید هدف از وضو طهارت و پاکی است. منظور خدای حکیم از یک طرف، شاید پاکی جسمی باشد ولی اگر با دقت بیشتر بررسی کنیم منظور طهارت و پاکی از مغناطیس شیاطین است که شستن و مسح برای این کار در وضو گذاشته شده است. نماز و وضو این میدان را به حد طبیعی خود باز می‌گردانند. و قتی آب یافت نشود با خاک مسح می شود که همان کار آب را انجام می دهد وقتی اجنه با مغناطیس خود، مغناطیس انسان را لمس می کنند باید این مغناطیس بیگانه را از میدان خود بیرون برانیم که با مسح بالاترین و پایین ترین قسمت بدن در وضو (سر و پا) امکان پذیر است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۶﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید چون به [عزم] نماز برخیزید صورت و دستهایتان را تا آرنج بشویید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین [هر دو پا را کامل] مسح کنید و اگر جنب‌اید خود را پاك کنید [=غسل نمایید] و اگر بیمار یا در سفر بودید یا یکی از شما از قضای حاجت آمد یا با زنان نزدیکی کرده اید و آبی نیافتید پس با خاك پاك تیمم کنید و از آن به صورت و دستهایتان بکشید خدا نمی خواهد بر شما تنگ بگیرد لیکن می خواهد شما را پاك و نعمتش را بر شما تمام گرداند باشد که سپاس [او] بدارید (۶)

خدای مهربان در پایان آیه ، حتی این کار را اتمام نعمت خود می داند؛ همانی که در سوره حمد از او می خواهیم (صراط الذین انعمت علیهم). یعنی این طهارت و پاکی نعمتی از جانب خداست. خدا در آیه دیگری برای قرآن هم می فرماید لا یمسه الا المطهرون. یعنی باید برای درک قرآن از مغناطیس اجنه و شیاطین پاک باشیم. خود مسئله تیمم نشان می دهد که بیشتر منظور پاکی درونی است زیرا خاک را بر صورت و دستان خود می زنیم. خدا با ساده ترین روش، یعنی نماز و وضو؛ ما را بر مغناطیس اجنه آگاه کرده است و با بجا آوردن این فرایض دینی، خود را از مغناطیس اجنه و شیاطین پاک میکنیم و به همین خاطر خدای مهربان آن را نعمت بزرگی میداند.

در هیپنوتیزم از پاس استفاده می شود، پاس یک سری تماس دست با اعضای بدن مدیوم است. تماس دست در هیپنوتیزم میدان مغناطیس مدیوم را در حدود و

دسترس اجنه قرار میدهد. ولی در نماز، فرد را از این میدان مغناطیسی دور می کند بالاخص که با آب و خاک انجام میشود ولی در هیپنوتیزم با دست خالی. انگار باید از عنصری دیگر برای تخلیه استفاده کرد. خدا می فرماید اذا قمتم الی الصلاه، یعنی باید فاصله وضو و نماز نباید زیاد باشد؛ بر خلاف عده ای که با یک وضو چند نماز اقامه می کنند. برای درک درست نماز و ارتباط درست با خدا؛ باید انسان از میدان مغناطیسی اجنه طاهر و پاک شد. برای درک درست نماز باید از میدان مغناطیسی پاک بشویم. اجنه نمی دانند در فکر ما چی میگذرد ولی با دستکاری در میدان مغناطیسی بر ما تاثیر می گذارند. هر کس فکر منحصر به فرد خود را دارد ولی احساس ها یکسانند. هر سلول بدن انسان دارای میدان مغناطیسی می باشد و مجموع تمام این میدان ها، همان میدان مغناطیسی انسان را تشکیل می دهد. همانطور که می دانید بیشتر از دو سوم بدن انسان را آب تشکیل داده است وقتی میدان مغناطیسی همین مولکول های آب تغییر بیابد و یا نامنظم شوند فرد دچار مشکلات روانی و جسمی می شود زیرا نظم این مولکول ها بر روی سلامتی انسان تاثیر میگذارد. وقتی فردی وضو می گیرد و یا تیمم می کند این دو عنصر که از طبیعت هستند و میدان طبیعی خود را دارند باعث می شوند که میدان بدن هم به حالت طبیعی و نرمال برسد و از تاثیر اجنه و شیاطین جلوگیری شود. وقتی اجنه و یا شیاطین نیروهای خود را در میدان قرار می دهند و با تاثیر بر میدان ما، سبب به هم ریختن نظم قطبی مولکول های آب می شوند، همین بی نظمی موجبات عدم تعادل روانی و جسمی فرد شده و در طولانی مدت سبب بیماری های روانی و جسمی می شود.

مثلا وقتی فردی خشمگین می شود و یا حس منفی را در خود دارد میدان حالت متفاوتی به دست میآورد و بالعکس همین احساس مشخص توسط اجنه ایجاد می شود به این صورت که با تغییر و دخالت در میدان، حس مشخصی را در فرد القا می کنند.

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ﴿۶﴾

و مردانی از آدمیان به مردانی از جن پناه می بردند و بر سرکشی آنها می افزودند (۶)

در این آیه از کلمه رجال بدون ال معرفه استفاده شده است. نشان میدهد که جنیان و آدمیان که همدیگر را بازی میدهند، اساسا برای هم شناخته شده نیستند و برای هم حالت مجهولیت دارند ولی با میدانهای مغناطیسیشان همدیگر را به کمک میخوانند و مخصوصا انسانها که در بیشتر موارد به اجنه پناه می برند.

۴) مسح در وضو

در توقف فکر اهل طریقت و یوگا، که در آن بدن یک میدان مشخص را کسب می کند، اجنه و شیاطین درونداد حسی را با کد مشخص می فرستند و چون فرد میدان مغناطیسیش پذیرنده کامل است، وی کد را به حس مربوطه تبدیل می کند و نهایتا مثلا حس کینه را نسبت به شخص مشخصی بصورت خیالبافی القا می کند. وقتی فرکانس های انسان و فرکانس وسوسه جن یکی میشود، اجنه به سمت وحدت وجود با فرد می روند. ولی در وضو میدان از آن فرکانس بیرون می آید. وضو مانند پرده ای است که مانع ورودمغناطیس اجنه به میدان ما میشوند. باید توجه شود که در وضو

دو عضو سر و پا هر دو باید مسح شوند و حتی زیر پا هم باید مسح شود تا میدان مغناطیسی از بین برود. این است که خدا در آیه وضو، آن را یک نعمت بزرگ بحساب می آورد.

۵) مغناطیس آب و خاک و کره زمین

عشق، یوگا، سیر و سلوک و طریقت و سایر مقامات جادویی، حالتی را ایجاد می کنند که عقل و فکر را غیر فعال می کنند و فرد کلمات و گفته هایی را میگوید که غیر ممکن و محال است. مثلا همیشه به کسی که عاشق می شد مجنون گفته شده است شاید این همان واقعیت را بیان کند که حالت عشق حالتی است که اجنه در میدان مغناطیسی فرد نفوذ کرده اند و بر روی فرد سنگینی می کنند و فکر و واقعیت را از فرد می‌گیرند شنیده ایم که خیلی ها به خاطر معشوق خود کارهای عجیب و غریبی کرده اند که دور از عقل بوده است.

هر چقدر فرد تلاش کند که با منطق آن حالت را از خود دور کند نمی تواند، دلیلش این است که فرد در اصل تفکر نمی کند بلکه در توهم و خیالبافی است. وقتی میدان مغناطیسی ما توسط میدان مغناطیسی اجنه تسخیر شود، حالت توهم و خیالبافی ایجاد می شود و همچنین صفات رذیله و ناپسندی مانند کینه و حسادت و ...ایجاد می شوند. خدا می فرماید من شر حاسد اذا حسد ؛ زیرا حسود در هنگام حسادت حالتی ایجاد می کند که هم کارهای خطرناکی که حاسد در پیش می گیرد و هم مغناطیسی دارد که توسط اجنه ایجاد شده و همین حالت مغناطیسی اگر در نزدیکی ما باشد بر ما هم اثر می گذارد.

به صورت علمی ثابت شده است که انسان می تواند با تمرینات مشخص مولکول های آب که قطبی هستند را تحت تاثیر قرار بدهد و آب را به سمت انگشتان خود بکشد و جذب کند که ناشی از همان میدان مغناطیسی بدن وآب می باشد. در وضو و تیمم چون آب و خاک از طبیعت هستند و مغناطیس طبیعی و نرمال برای ما دارند با ارتماس این عناصر با بدن ما، میدان مغناطیسی بدن ما به حالت طبیعی بر می گردد.

تمرینات یوگا و مدیتیشن و هیپنوتیزم و رقصهای سماع و حال دراویش و نوحه و تمرکز یوگی ها و ... سعی بر آن دارند که میدان مغناطیسی را برای موجودات اهریمنی باز کنند و این موجودات خیلی آسان تر می توانند به میدان ما نفوذ کنند و با نفوذ و تغییر مغناطیس و دمای بدن ، بدن انسان را تحت تاثیر قرار می دهند و باعث انجام کارهای مسخره و فریبنده می شوند.

میدان مغناطیس اطراف ما با تمام حالات روانی و بدنی ما رابطه مستقیم دارد و با تصویر برداری مغناطیسی می توان این میدان را مشاهده کرد. خدا در قران می فرماید ما هر چیزی را از آب آفریدیم و در جای دیگری میفرماید که شما را از خاک آفریدیم. یعنی این دو عنصر طبیعی که در طبیعت هستند و به گفته پروردگار

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَّاتٍ ۖ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ

یعنی تمام موجودات در طبیعت صلات و تسبیح خود را دارند و به آن مشغولند؛ نوعی کمک هستند برای انسان. طبیعت ، آب ، خاک با بدن انسان عجین است و اهریمنان سعی دارند که انسان را از حالت طبیعی بیرون بیاورند. به خاطر همین وقتی انسان به طبیعت می رود و یا در آب می رود و یا غسل می گیرد، حس خوبی بهش دست می

دهد؛ زیرا میدان مغناطیسی فرد به حالت نرمال می رسد. عشق و یوگا و طریقت همان حالتی است که خدا در سوره بقره می فرماید: ءاانذرتهم ام لم تنذرهم لایومنون مثلا فرد در حالت عشق، قدرت تفکر منطقی و واقعی را از دست می دهد.

۶) پیامبر سلیمان

در زمان سلیمان اجنه از بدن بیرون می آمدند البته بهتر است بگوییم از میدان مغناطیس فرد بیرون می آمدند. هر فرد هاله و ماده سیاله ای در اطراف خود دارد که همان میدان مغناطیسی است. اجنه و شیاطین از طریق همین میدان مغناطیسی بر انسانها تاثیر می گذارند. فرورفتن در لهو الحدیثها و فضای آلفا، میدان مغناطیسی را زیاد کرده و زمینه برای نفوذ اجنه به انسانها را فراهم می آورد.

زمانی که جن وارد این میدان بشود با ورود جن، فرد احساسات مختلف را تجربه می کنه و خیالبافیهای او شروع میشود. در مراحل سامادهی یوگا و طریقت، این میدان بطور کامل پذیرای جن می شود و جن میدان را اگر کامل تسخیر کند، فرد جن زده می شود که در زمان پیامبر سلیمان این کار زیاد انجام شده بود. پیامبر سلیمان با تغییر میدان فرد موجب می شد که جن تحت فشار قرار گرفته و از میدان فرد خارج می شد. با خارج شدن میدان اجنه از میدان انسان فرد احساس راحتی و آزادی می کند و حتی بیماری های روانی و جسمی که در زمان ورود جن داشته از بین می رود.

یوسوس فی صدور الناس؛ احتمالا صدور (سینه ها) از جهتی همان میدان مغناطیسی است؛ الم نشرح لک صدرک و وصعنا عنک وزرک؛ خدا می فرماید که آیا صدرت را

نگشوده ایم و آن بار گران را از تو فرو ننهادیم چیزی که پشت تو را خم کرده بود؛ فاذا فرغت فانصب؛ یعنی وقتی آن بار را از صدر تو بیرون آوردیم پس از آن عبادت و بندگی را پیشی بگیر. فان مع العصر یسری؛ یعنی بیرون آوردن نیروهای اهریمنی از میدان کار سختی است ولی اگر این کار سخت انجام بشود، بعد از آن دیگر آسانی برای انسان به وجود می آید؛ زیرا صدورمان(میدان مغناطیسی مان) از بیگانگان خالی است و زندگی برایمان راحت تر می شود ولی باید بعد از رها شدن به عبادت بپردازیم یعنی تنها راه جلوگیری از ورود دوباره اجنه وشیاطین به میدان خودمان عبادت و بندگی پروردگار می باشد. به خاطر همین خدا می فرماید و اعبد ربک حتی یاتیک الیقین. یقین زمانی حاصل می شود که فرد همیشه در واقعیت است و خالصانه و با حالت بندگی پروردگار را عبادت می کند.

وقتی جن بر میدان مسلط می شود فرد دچار عشق می شود و محدود میشود به یک چیز،ولی وقتی صدر شرح بشود و گشوده شود، انسان از بند اجنه آزاد میشود و واقعیت را می بیند. در قرآن از واژه استمع در عبارت استمع نفر من الجن استفاده کرده نه سمع؛ که از باب استفعال می باشد یعنی آن یک نفر از جن با طلب و تلاش شنیده است. اجنه شاید زبان عربی را بلد نباشند ولی با استفاده از قلب خواننده قرآن، کدهای آن معنا و پیام را دریافت می کنند و در اینجا خود واژه سمع اهمیت شنیداری و صوتی را بیانی می کند ، برای همین در قرآن فرموده نماز را نه با صدای بلند و نه در خفا بخوانید باید صوت و صدا را خودمان بشنویم و همین کد هم نوعی راه ارتباطی است، البته بعد از نفر از قالو استفاده کرده که معنای گروهی را هم می دهد ولی نه همه آنها. البته سمع از یک طرف برای شنیدن استفاده می شود ولی می توان آن را

برای کدگذاری و یا درک پیام و احساس نیز در نظر گرفت. اجنه فقط وقتی میتوانند زبان انسانها را مثل خودمان بفهمند که به دنیای انسانها تنزل پیدا کنند و به شکل دیو در آیند، در بقیه موارد بصورت کد شده وارد دنیای انسانها میشوند؛ مثلا تا وقتی که انسان وارد توهمات و خیالات نشود ؛ اجنه به او هجوم نمی آورند و سنگینی را بر او تحمیل نمی کنند.

۷) فقط خدا میداند که چطوری جادوی شیاطین خنثی شود

نماز و روزه و زکات و وضو و سایر دستورات خدا، بهترین روش برای خنثی نمودن جادوی شیاطین است و حتی میتوان گفت تنها روش است و به همین خاطر خدا از این اعمال به عنوان نعمت و اتمام حجت و کامل کننده دین اسلام یاد میکند. در زمان روزه داری فرد برای مدتی از نوشیدن و خوردن غذا خودداری می کند، همین خود داری موجب کاهش میزان آب بدن شده و موجبات تغییر میدان مغناطیسی بدن را فراهم می کند . هر چند فواید بسیار زیاد دیگری در روزه گرفتن وجود دارد ولی همین تغییر میدان باعث دفع نیروهای منفی و ایجاد آرامش روانی و جسمی می شود. بسیاری از بیماری های روانی و جسمی واقعا از همین عدم تعادل میدان به وجود می آیند. فارغ از تمام این فواید که نشان دهنده عظمت پروردگار است و اینکه تمامی این فوایدی که برای بندگان خود قرار می دهد از طرف دیگر ، روزه و نماز عبادت و بندگی است و فارغ از تمام فواید، این از همه مهمتر است که خدا نحوه بندگی و عبادت خود را به بهترین نحو به ما آموزش داده است و اوست که به بندگان خود آگاه تر است و بهتر می داند که چه چیزی برای انسان مناسب تر و مفید تر است.

آیا بهتر نیست زمانی اندک از روز را به عبادت و بندگی آن خالق با عظمت بپردازیم و از مسایل ناچیز و بی اهمیت دنیوی اندکی فارغ بشویم و همیشه به یاد داشته باشیم که این دنیا آزمایش بزرگی است و نباید فریب خورده و وظیفه اصلی خود را فراموش نکنیم.

۸) طب سنتی

تجربه نشان داده است که کسانی که جن زده اند، همیشه تمام بدنشان سرد است. احتمالا این دلیل علمی دارد. البته قابل ذکر است که کسی هم که هیپنوتیزم میشود، دمای بدنش پایین است. فرد هیپنوتیزم شده از نظر مکانیزم سردی بدن، شباهت زیادی به فردی دارد که شیطان و یا جن بر او مسلط شده است. شاید از نظر علمی در آینده ثابت شود که چه تغییراتی در بدن فرد بوجود می آید که چنین اتفاقی می افتد. البته اینجا ما منظورمان از سردی، سردی ناشی از سرمای زمستان و یا یخ نیست. بلکه منظور یک سردی درونی و یا مغناطیسی است. بر اساس طب سنتی و تجربه اطباء قدیمی مثل ابوعلی سینا، منشاء اکثر بیماری ها بر اثر سردی است. ما میدانیم که قسمتی از بدن که سرد میشود، هم بی حس میشود و هم خونریزی در آن صورت نمی گیرد. سرد شدن درونی بدن مساوی است با کاهش سوخت و ساز بدن و در نتیجه ابتلا به بیماریهای گوناگون. اطباء در گذشته برای جلوگیری از سرد شدن بدن، داروها و غذاهای با طبع گرم برای مریض توصیه می کردند. اما تا وقتی بیمار نتواند منشاء اصلی این سردی را حل کند؛ این نوع داروها و غذاها فقط یک تسکین دهنده

موقتی هستند. تنها راه، نجات دادن خود از سلطه و وسوسه شیاطین و اجنه است. غذاهای گرم مثل یک مسکن است و در دراز مدت موثر نیست. باید فرد خود را از مغناطیس و سلطه شیاطین خارج کند. شعر، توهمات، خیالات، لهو الحدیث، عشق ، یوگا، طریقت، هفت وادی عشق و ... همگی از جادوهای شیاطین هستند که فرد را وارد وادی شیاطین میکنند.

۹) تقطیع افکار و اوهام

بعضی از مردم فکر می کنند که نماز محل تفکرات است. ولی برعکس نماز برای قطع نمودن تفکرات و اعمال روزمره ست و محدود شدن تفکر بخدا. در نماز فقط با خدا گفتگو میشود و لاغیر. در نماز تمام افکار قطع نمیشود بلکه تمام تفکر به خدا معطوف میشود. همانطور که در رانندگی باید فقط توجهتان به رانندگی باشد ، در نماز هم باید فقط توجهتان به خدا باشد، باید فقط روی خدا تمرکز کنید. این اصل و اساس یکتاپرستی است. وقتی سوره فاتحه را میخوانید، به معنای آیاتش توجه کنید که در مورد خدا چی میگویید. وقتی میگوئید الله اکبر، باید به معنای آن توجه کنید. به همین خاطر خدا در قرآن می فرماید که اقم الصلوه لذکری (نماز را برای یاد من بپادار) . یعنی نماز نباید محل فرقه گرائی و به رخ کشیدن عقاید فرقه ای باشد. بلکه فقط در مورد خدا باید باشد و لاغیر.